

درس هفدهم



جمعیه کلمات درس هفدهم کلمات هم معنی	
زُرف - گود، عمیق	صبور - شکیبایا، بردبار
خور و خواب - خوردن و خوابیدن	تیره دل - بداندیش
ستوده اند - ستایش شده اند	خاکدان - دنیای خاکی، این جهان
خاکیان - اهل خاک، مردم و انسان ها	تنی چند - چند تن، چند نفر
بیکران - بی پایان، نامحدود	لدریون - درون، داخل
اعتماد - اطمینان، کاری را به کسی سپردن	مسکین - بیچاره، بی نوا، نیازمند، تهیدست
فارغ - راحت، تسوده	توشه - خوراک نذک یا خوراک برای مدت معینی، ذوقه‌ی سفر
قادر - توانا، با قدرت	کامکار - خوشبخت
	سور - جشن

کلمات مخالف	
غافلان ⇌ آگاهان، دانایان، هوشیاران	مسکین ⇌ غنی
پیری ⇌ جوانی	عاقل ⇌ نادان
راست‌گویی ⇌ دروغ‌گویی	حاضر ⇌ غایب
هشیار ⇌ غافل	اسراف ⇌ صرفه‌جویی، قناعت
	دراز ⇌ فروود

کلمات هم خانواده	
مُلک، مالک، املاک	زحمت، مزاحم، زحمتات
حسود، حسد، حسد، حسادت	قناعت، قانع، ائناع
غافل، غفلت، اغفال	فارغ، فراغت
	حضور، حاضر، محضر